

فرانکلین دوچرخه سواری می‌کند



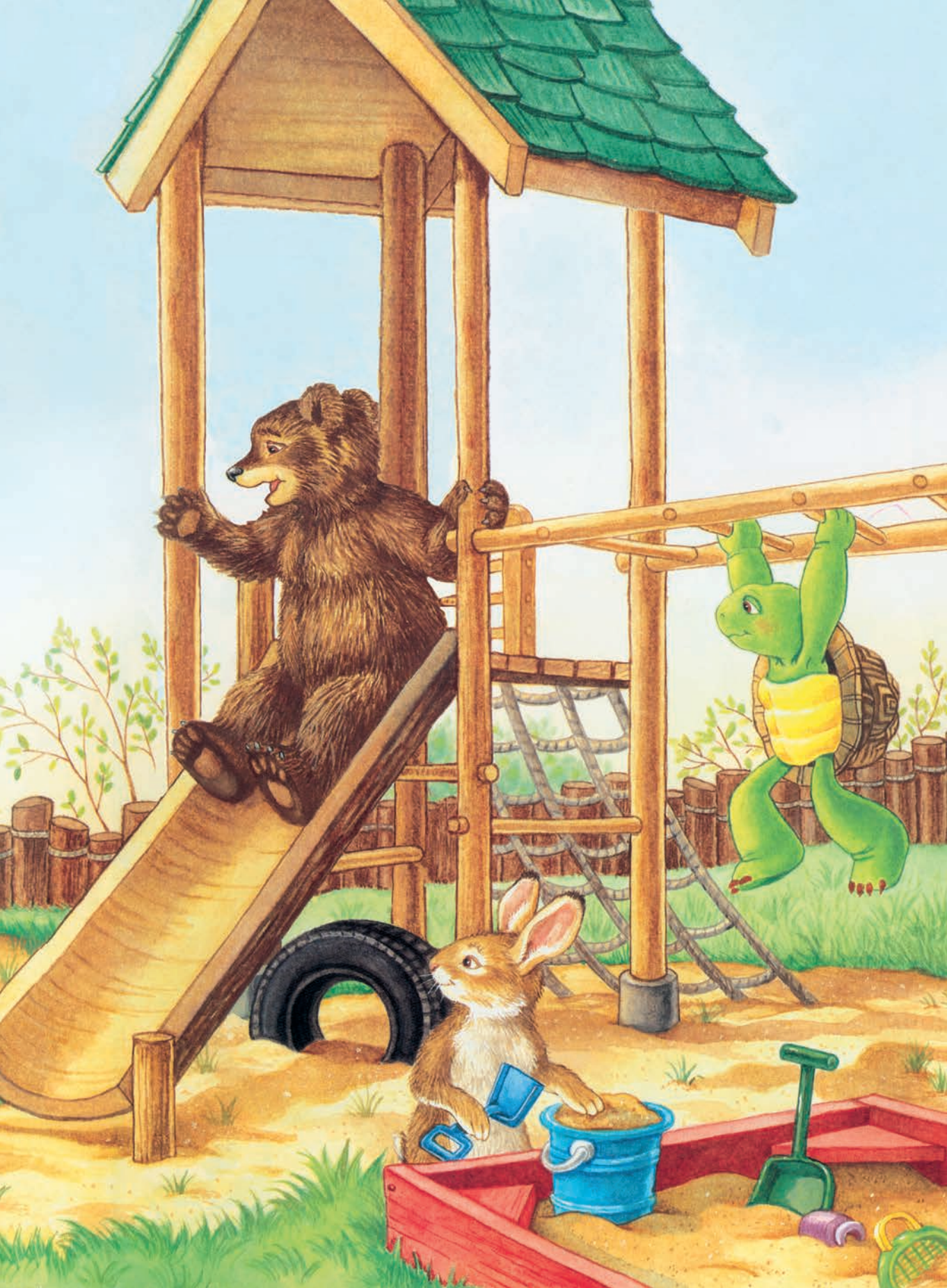
پولت بورژوا

مترجم: گلرنگ درویشیان کرمانشاهی

فرانکلین می‌توانست شنا کند و زیرآبی برود و خیلی خوب توپ را شوت کند. بلد بود چطور از میله‌ها خودش را بالا بکشد و آویزان شود و تاب بخورد. اما فرانکلین یک مشکل داشت. او نمی‌توانست بدون چرخ‌های کمکی دوچرخه سواری کند.







در فصل بهار، همه‌ی دوستان فرانکلین به دوچرخه‌هایشان چرخ
کمکی بستند. سگِ آبی از همه شجاع‌تر بود چون زودتر از بقیه
چرخ‌های کمکی‌اش را باز کرد.

او بعد از کلی تمرین، رفت پارک تا به دوستانش پُزبدهد.

وقتی به پارک رسید، با صدای بلند گفت: «نگاه کنید! من
دوچرخه‌سواری یاد گرفتم.»

فرانکلین به سگِ آبی که داشت با دوچرخه‌اش دور می‌زد نگاه کرد.

